

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۱

جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۹۳، ۴ آپریل ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

جمهوری اسلامی و مخمصه حقوق بشر!

سال سقوط اقتصاد ایران!

"بجای سیستم قضائی جمهوری اسلامی
باید بلال کاشت!"

وقتی خط امامی ها مترجم میشوند!

صفحه ۶

برادران قاچاقچی و توزیع هروئین بجای تهدید اتمی

بهروز مهرآبادی

صفحه ۳

حداقل دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی و عکس العمل کارگران

شهلا دانشفر

صفحه ۴

آخرین گزارش از کمپین نجات ریحانه جباری

صفحه ۸

سال تشدید تناقضات حکومت

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد

مهمترین تحولات ایران در سالی که گذشت

صفحه ۲

اقتصاد مقاومتی،

طرحی برای تعرض به کارگران!

شهلا دانشفر

صفحه ۳

امیدوارم بزودی آزادی ریحانه را

جشن بگیریم!

مصاحبه با مینا احدی



تقاضای علنی کردن و کمپین گذاشتن داشت که قرار شد با ارسال عکس و اطلاعات در مورد ریحانه این کمپین را شروع کنیم اما، خانواده ریحانه خواستند به نحو دیگری عمل کنند و موضوع را کاملاً مخفیانه پیگیری کنند و ظاهراً می خواستند در جریان محاکمه بی گناهی ریحانه را اثبات کنند. اما محاکمه طبق قوانین، سنتها و روش جمهوری اسلامی انجام شد. یعنی چه؟ یعنی اینکه بدون توجه به شواهد و حرفهای وکلا، بدون توجه به حرفهای ریحانه، تصمیم از قبل گرفته شده بود. این دختر جوان و "پرو" باید ادب بشود، گفتند و نوشتند که تجاوز

صفحه ۷

یک نفر است و بهمین دلیل به اعدام محکوم شده است. ریحانه طراح دکوراسیون بوده و مقتول ظاهراً از شغل او در جریان یک گفتگوی تلفنی ریحانه بطور اتفاقی خبردار میشود و طرحی میریزد و ریحانه را به یک خانه برده و میخواهد به او تجاوز کند.

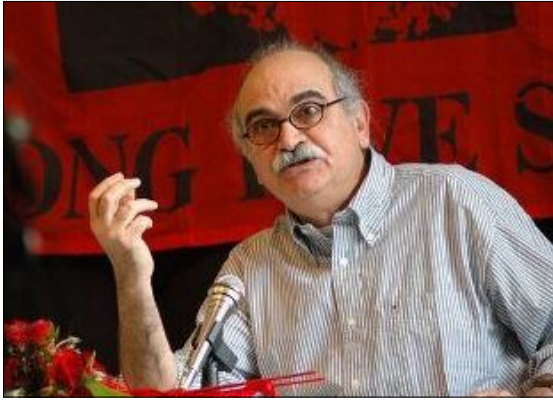
ریحانه از خود دفاع میکند و طبق حرفهای خودش فقط یک ضربه به او میزند و فرار میکند، اما این فرد یعنی مرتضی سربندی که از همکاران قبلی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بوده به قتل میرسد و ریحانه را دستگیر و محاکمه میکنند.

انترناسیونال: محاکمه چگونه بوده است؟

مینا احدی: راستش من شش سال قبل در جریان این پرونده قرار گرفتیم. در یک سخنرانی در برلین، بعد از اتمام سخنرانی ام یک مرد بطرف من آمد و خواست در مورد پرونده دختر برادرش با من حرف بزند. او در مورد ریحانه صحبت کرد و

انترناسیونال: کمپین نجات ریحانه اخیراً توجه های زیادی را بخود جلب کرده است، در این مصاحبه میخواهیم به ارزیابی از کمپین بپردازیم، اول از همه میخواهیم بدانیم داستان ریحانه چیست، ریحانه کیست و چرا محکوم به اعدام شد؟

مینا احدی: ریحانه یک دختر جوان ۱۹ ساله در ایران بود. روی کلمه در ایران تاکید میکنم، چرا که او میتوانست در جایی دیگر مثلاً اروپا و یا کانادا و غیره، آزاد زندگی کند، درس بخواند، کار کند و از زندگیش لذت ببرد. اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، زندگیش چنان رقم خورد که اکنون هفت سال است که در پشت میله های زندان بسر می برد و همه زندگیش در مقابل یک علامت سوال بزرگ قرار دارد. اما چرا ریحانه به اینجا رسیده، داستان از این قرار است که او در یک واقعه ناخواسته، در حالیکه در معرض تجاوز جنسی بوده، متهم به استفاده از چاقو و قتل



سال تشدید تناقضات حکومت مصاحبه با حمید تقوایی در مورد مهمترین تحولات ایران در سالی که گذشت

انترناسیونال: در تبیین وقایع سیاسی سال گذشته در ایران بر چهار مسئله ویژه می توان انگشت گذاشت. برگزیدن یک رئیس جمهور و دولت جدید، مذاکرات هسته ای و رابطه با غرب، بحران اقتصادی و مبارزات و اعتراضات مردم در عرصه های مختلف. از رئیس جمهوری و دولت جدید شروع می کنیم که چرخشی در سیاست های جمهوری اسلامی تلقی میشود. روی کار آمدن دولت حسن روحانی به چه دلیل بود و چه تغییری در سیاست های جمهوری اسلامی بوجود آورد؟

حمید تقوایی: روی کار آمدن روحانی ناشی از درماندگی و استیصال کل رژیم در مواجهه با بحران سیاسی- اقتصادی- فرهنگی ای بود که در دوره احمدی نژاد به اوج خود رسیده بود. بجالش کشیده شدن علنی خامنه ای بوسیله رئیس جمهوری که با حمایت سرسختانه خود او و سرکوب انقلاب مردم در سال ۸۸ صندلی اش را حفظ کرده بود، و از این نقطه نظر بی اعتباری بیش از پیش ولی فقیه در میان خود حکومتی ها، تشدید بحران اقتصادی از جمله و بویژه در اثر تحریمها و به گل نشستن کامل چرخ اقتصاد و گسترش گرانی و تورم و بیکاری بیسابقه در جامعه، و بالاخره تعرض جنبش کارگری، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان و جنبش آزادی زن به کل اسلام حکومتی و فرهنگها و ارزشهای اسلامی که حکومت پاسدار آنست - تعرضی که که بروزات آنرا در جریان "مبارزات

انتخاباتی" شاهد بودیم- اینها همه از جمله مهمترین عواملی بشمار میرود که ادامه وضع موجود در اواخر دوره احمدی نژاد را برای جمهوری اسلامی غیر ممکن میکرد. باید برای نجات نظامشان فکری میکردند و بالاخره "راه حل" بهتر از روحانی پیدا نکردند. البته منظورم این نیست که خامنه ای و جناحهای حکومتی نشستند و بحث و تبادل نظر کردند و بر سر روحانی به اتفاق نظر، یا باصطلاح خودشان به اجماع، رسیدند. نقشه از پیشی ای در کار نبود. مجموعه شرایط طوری بود که خامنه ای و جناح اصولگرا ناگزیر شدند به روحانی رضایت بدهند. آلترناتیو دیگری نداشتند. روحانی - و به همراه او خط رفسنجانی- به ولی فقیه و اصولگرایان تحمیل شد چون کل رژیم، و نه فقط خط خامنه ای و خط اصولگرا، در تمام زمینه ها به بن بست رسیده بود.

انترناسیونال: آیا روی کار آمدن روحانی بحران حکومت را تخفیف داده است و یا اصولا میتواند معضلی از حکومت را در زمینه هائی که توضیح دادید حل کند؟

حمید تقوایی: مسائلی که اشاره کردم ناشی از سیاستهای دولت احمدی نژاد نبود که با کنار رفتن او حل و فصل بشود. تغییر ریل از احمدی نژاد به روحانی تنها برای جمهوری اسلامی و "اصلاح طلبان" بیرون و درون حکومت، که نقش سوپاپ اطمینان حکومت را بازی میکنند، فرصتی فراهم آورد تا با هیاهو بر سر تعامل و

تعادل و دولت تدبیر و امید و غیره تلاش کنند برای نظام درمانده شان وقت بخرند. اما این زنگ تنفس حکومتی ها بسیار کوتاه مدت بود و به سرعت به عکس خودش تبدیل شد. سریعاً معلوم شد که بحران اقتصادی، دعوای درونی و بهم ریختگی صفوف حکومت، بی اعتباری "رهبر"، اعدامها و سیاستهای سرکوبگرانه، بحران فرهنگی حکومت و تنفر و ناراضی عمومی مردم از حکومت اسلامی مسائلی بسیار عمیقتر و نهادی تر از آنست که با هیاهو بر سر تدبیر و امید و تعامل با غرب و رفع تحریمها و غیره بتوان حل و فصل کرد. همان کارنامه صد روزه دولت روحانی، که رکورد چهارصد اعدام جزئی از آنست، یا منشور کذائی حقوق شهروندی که در واقع تاکید دیگری بر بی حقوقی اسلامی مردم است، به حتی طرفداران روحانی در طی انتخابات بروشنی نشان داد که تغییری حاصل نشده و در بر همان پاشنه میچرخد.

اگر چیزی تغییر کرده باشد مسائل و مشکلات تازه ای است که دولت روحانی برای کل حکومت به همراه آورده است. مساله پروژه هسته ای و تجدید نظر در رابطه با غرب یکی از این مشکلات است. این مساله فی الحال به اختلافات و کشمکشهای جدی میان جناحهای حکومتی دامن زده است و این بحران همچنان ادامه خواهد داشت. جمهوری اسلامی بدون تکانها و تلاطمات شدید نمیتواند این راه را طی کند چرا که هویت و ساختار و موقعیت

داخلی و منطقه ای رژیم به اسلام ضدغربی گره خورده است. غربستیزی برای حکومت یک ضرورت استراتژیک است هر چند از نقطه نظر تاکتیکی و مشکلات اقتصادی- سیاسی که در گیر آنست به عادیسازی رابطه با غرب احتیاج داشته باشد. درباره این پارادوکس در نوشته های قبلی توضیح داده ام و فکر نمیکنم نیازی به توضیح بیشتر باشد.

در رابطه با مسائل دیگری نظیر گرانی و فقر و بیکاری و کلا مصائب اقتصادی، سیستم قضائی جنایتکارانه حاکم و اعدامها و سرکوبگریها، فقدان آزادیهای سیاسی و مدنی، بی حقوقی مفرط زنان، ارتجاع فرهنگی حاکم، و غیره و غیره نیز کمترین تغییر و یا بهبودی در اوضاع مشاهده نمیشود. همه این مسائل با تار و پود و موجودیت نظام جمهوری اسلامی تنیده شده است. جمهوری اسلامی بدون اعدام و سرکوب و سلطه قوانین و سیستم قضائی جنایتکارانه موجود و بدون فرودستی و بی حقوقی فاحش زنان و حتی بدون حجاب اجباری قابل تصور نیست. ممکن است دولت روحانی و یا هر جناح حکومتی برای نجات کل نظامشان ناگزیر شوند در هر یک از این زمینه ها قدمی به عقب بردارند اما مردم بجان آمده از سی و پنجاه سال جنایت جمهوری اسلامی هر یک قدم عقب نشینی حکومت را به میدان تعرض تازه ای علیه کل این نظام تبدیل خواهند کرد و در تحلیل نهائی پایه و اساس بحران حکومت همین تقابل جامعه با

کل موجودیت آنست. *انترناسیونال:* به پارادوکس رابطه جمهوری اسلامی با غرب اشاره کردید. تعامل با غرب یکی از ویژگیهای دولت روحانی است. آیا به نظر شما این مذاکرات و توافقات نتیجه روی کار آمدن دولت جدید بود؟ یا اینکه روی کار آمدن دولت روحانی را می توان بخشی از روند توافقات جمهوری اسلامی با غرب ارزیابی کرد؟ به نظر شما مذاکرات هسته ای و توافقات با غرب تا کنون چه روندی را طی کرده و چه نتایجی در بر داشته است؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم به نظر من روی کار آمدن دولت روحانی ناشی از بن بست و درماندگی جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف بود. معضل رابطه با غرب که مشخصاً از طریق تحریمهای اقتصادی حکومت را تحت فشار قرار میدهد یکی از این عرصه ها است. مشکل جمهوری اسلامی نفس ارتباط با دولتهای غربی نیست- از همان دوره خمینی و قضیه ایران- کنترا جمهوری اسلامی و آمریکا و دیگر دول غربی مرادوات پنهانی خود را داشته اند- بلکه نزدیکی با غرب در یک سطح ایدئولوژیک - سیاسی مساله حکومت است. ضد آمریکائیگری و غرب ستیزی جمهوری اسلامی یک امر هویتی و استراتژیک برای جمهوری اسلامی است که مستقیماً بر موقعیت سیاسی رژیم در داخل ایران و در منطقه تاثیر میگذارد. از سوی دیگر

برادران قاچاقچی و توزیع هروئین بجای تهدید اتمی

بهر روز مهرآبادی



نیست، از روی سهو هم گفته نشده، این اعترافات در طول سالها و از طرف مقامات مختلف رژیم بیان شده است. این سیاست رژیم و یک منبع درآمد بزرگ برای سرداران سپاه و آیت اله های همکار و حامی آنها در طول بیش از سه دهه بوده و اسناد زیادی در مورد آن افشا شده و انتشار یافته است. قاچاق مواد

مخدر در ایران و سایر کشورها یک جنایت بزرگ است و بروشنی به مردم جهان نشان می دهد که این حکومت چه بلای بی سر مردم ایران می آورد. جمهوری اسلامی با صدور مواد مخدر دولتهای اروپایی را تهدید نمی کند، تهدید حکومت قاچاقچیان متوجه مردم اروپا و سایر کشورهای جهان است. اعترافات مقامات رژیم به قاچاق مواد مخدر ظرفیت ضد انسانی این رژیم فاسد را نشان میدهد و خطر بزرگ آن را برای همه بشریت یادآوری می کند. در عین حال این یک بی آبرویی و رسوایی برای دولتهایی است که با این حکومت به مذاکره می نشینند و داغ ننگی به چهره کسانی است که حرف از اصلاح جمهوری اسلامی میزنند و از بقای ننگین آن حمایت می کنند.*

کریدور در مناطق کم جمعیت کشور و تحت کنترل کامل که به کاروان های حامل مواد مخدر اجازه دهد به سلامت از خاک ایران عبور کنند و محموله شان را به هر جا که می خواهند ببرند. "علی اکبر فلاحیان عضو مجلس خبرگان و وزیر سابق اطلاعات رژیم نیز در مصاحبه ای در روز دهم فروردین ماه از توزیع مواد مخدر بعنوان یک اهرم فشار بر کشورهای اروپایی توسط جمهوری اسلامی، نام برد.

جمهوری اسلامی بی آبروتر و رسواتر از آن است که بخواهد دخالت خود در توزیع مواد مخدر در سطح جهان را پنهان کند، برادران قاچاقچی حاکم بر ایران وقیحانه و رسماً این را اعلام می کنند و از آن بعنوان عامل فشار و تهدید بر غرب نام می برند. اما این فقط تهدید

معاونان سابق وزارت اطلاعات در مصاحبه ای با روزنامه "تجارت فردا" در دی ماه ۹۱ ترانزیت مواد مخدر توسط مقامات رژیم را مورد تأیید قرار می دهد.

دری نجف آبادی دادستان کل کشور جمهوری اسلامی در خرداد ۸۵ گفت: "در صورتی که کشورهای غربی به ادامه چالش با ایران در زمینه انرژی هسته ای ادامه دهند ایران نیز می تواند اجازه عبور مواد مخدر را البته نه از خاک ایران بلکه از دریا و نقاط دیگر بدهد. تعدادی از اعضای مجلس اسلامی درباره طرح ایجاد کریدور امن که از طریق آن مواد مخدر به اروپا صادر شود، صحبت کردند و روزنامه کیهان در سرمقاله خود تحت عنوان "آنها به ما بدهکارند" نوشت: "ایجاد یک

بدون همکاری و دخالت عوامل رژیم امکان پذیر نیست. در حالی که باندهای مافیائی جمهوری اسلامی مستقیماً بازار مواد مخدر در ایران را در دست دارند، قربانیان مواد مخدر و تعدادی از قاچاقچیان خرده پا که فاقد مجوز هستند، زندانی و اعدام میشوند.

جمهوری اسلامی نقش بزرگی در تجارت مواد مخدر در جهان دارد. اخبار و گزارشات مختلفی درباره نقش سفارتخانه های جمهوری اسلامی در توزیع مواد مخدر منتشر شده است. در روزنامه تایمز در پائیز ۲۰۱۱ مقاله مفصلی در مورد دخالت سپاه پاسداران در توزیع مواد مخدر در جهان و همکاری سپاه با سازمانهای مافیائی در کشورهای مختلف جهان نوشت. در این مقاله از محسن رفیق دوست و سردار عبدالله عراقی نام برده شده است. وزارت خزانه داری آمریکا غلامرضا باغبانی از فرماندهان قدس را بخاطر شرکت در قاچاق مواد مخدر در سطح جهان در لیست تحریم های خود قرار داده است و اسنادی در این مورد منتشر کرده است. دیپلمات های سابق و فرماندهان فراری سپاه گوشه هایی از فعالیت های مقامات جمهوری اسلامی در امر قاچاق مواد مخدر در جهان را افشا کرده اند. رسانه ها به نقل از اسناد افشا شده توسط ویکیلیکس نوشتند: "درآمد سپاه پاسداران از قاچاق مواد مخدر به اروپا بالغ بر چندین میلیارد یورو است. بر اساس این اسناد، مواد مخدر توسط ایران به آذربایجان منتقل می شود و از آنجا به اروپا صادر می گردد". مصطفی پورمحمدی وزیر کشور سابق رژیم و از

منصور حقیقت پور نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی اعلام کرد: "ایران در مورد ممانعت از انتقال مواد مخدر به اروپا باید تجدید نظر کند تا حال دولت های اروپایی جا بیاید. این فرمانده سابق سپاه پاسداران در سخنان خود گفت: "کاروان های قاچاقچیان بیایند و مواد را به اروپا ببرند و میان اروپائیان توزیع کنند تا حال دولتهای اروپایی جا بیاید، لذا انتقادشان از ایران برای اعدام قاچاقچیان درست است."

سخنان حقیقت پور بخشی از سیاست باندهای مافیائی حاکم بر جمهوری اسلامی را بیان می کند. این اولین بار نیست که مقامات جمهوری اسلامی درباره نقش خود در قاچاق مواد مخدر صحبت می کنند. دخالت رژیم در توزیع مواد مخدر در سطح جهان چیزی نیست که بشود آنرا پنهان کرد. کاروان های حمل مواد مخدر تحت حمایت سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی از داخل خاک ایران می گذرند. این یک منبع مالی بزرگ برای حکومت اسلامی و بویژه سپاه پاسداران است. در حالی که جمهوری اسلامی گسترده ترین سیستم امنیتی و خبرچینی را در ایران برقرار کرده و در حالی که هر مخالفت و اعتراضی با حضور فوری ماموران سرکوب رژیم پاسخ میگیرد، توزیع مواد مخدر در ایران به آسانی انجام میشود. بر اساس گزارشات رسانه های داخل زمان دستیابی به مواد مخدر در شهرهای بزرگ به کمتر از ده دقیقه کاهش یافته و قیمت شیشه و هروئین نسبت به مواد مصرفی روزانه مردم به حداقل خود رسیده است. پخش مواد مخدر در داخل ایران نیز

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پلاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

حداقل دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی و عکس العمل کارگران

شهلا دانشفر



موسوم به هدفمندی یارانه ها در سال ۹۳ و هم چنین افزایش تورم سالیانه، گواه این واقعیت است. به عبارت دیگر بالا رفتن هزینه های زندگی و به دنبال آن، افزایش فشارهای روحی و روانی و انواع مصائب اجتماعی برای خانواده های کارگری، مانند پیوستن کودکان بی شمار دیگری به خیل کودکان کار و خیابان در سال آینده، دور از انتظار نیست. در خاتمه این بیانیه آمده است: "تهادای رسمی و انتصابی که به نام تشکل کارگری در شورای عالی کار حضور دارند، بارها ثابت کرده اند که نماینده ای تشریفاتی بوده و حتی در مقابل رای نماینده گان دولت و کارفرمایان، رای و نظر آنها جایگاهی ندارد!

تعیین این دستمزد برای سال آینده، این واقعیت را نیز پیشرو همگان روشن تر کرد که کارگران فقط با اتکا به نیروی اعتراضی خود می توانند به خواسته های شان، از جمله افزایش دستمزدها متناسب با یک زندگی متعارف و امروزی دست یابند. تجربه مبارزات کارگری سال های اخیر، نشان داده است که مطالبات کارگران در راه روهای اداره کار و یا در اتاق های نمایندگان مجلس به دست نمی آید، بلکه طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق پایمال شده ی خود، راهی جز اتحاد و همبستگی، اعتراض جمعی و مبارزه برای ایجاد تشکل های واقعی خود ندارد."

اینها همه گوشه های از عکس العمل کارگران در مقابل تصمیم دولت و دستمزدهای ۶۰۸ هزار تومان است. بطور واقعی نیز راهی جز اعتراض و مبارزه در مقابل کارگران قرار ندارد. دولت اسلامی در حالی حداقل دستمزد کارگران را ۶۰۸ هزار تومان تعیین کرده است، که خودشان بارها در نزاعها و کشمکشهایشان از خط فقر دو میلیون و هشتصد و دو میلیون و یک میلیون و پانصد و غیره سخن گفته اند. عزت الله یوسفیان ملا از نمایندگان

شده است. نارااستی ادعای مذکور را میلیون ها کارگر ایرانی و همه کارشناسان حقوق کار تأیید می کنند چراکه اصولاً به دلیل نقض حقوق سندیکایی کارگران ایران در ۳۵ سال گذشته، کارگران ایران از داشتن نماینده ای واقعی در مراکز تصمیم گیری در رابطه با سرنوشت شان محروم بوده و هستند. بدین ترتیب افزایش دستمزد کارگران یک دروغ بزرگ بوده، زیرا عملاً هر ساله قدرت خرید خانوار کارگران و زحمتکشان، بر خلاف ماده ی ۴۱ قانون کار، نه تنها حفظ نشده بلکه سیر نزولی داشته است. در انتهای این بیانیه کارگران سندیکای واحد آمده است: "سندیکای کارگران شرکت واحد بر اساس پیمانی که در دفاع از حقوق کارگران بسته و بابت آن هزینه های سنگین داده و می دهد، به این تصمیم ظالمانه که گویی چوب حراج زدن بر نیروی کار این سرزمین است، اعتراض شدید خود را اعلام داشته و برپایه هرگونه اعتراضات جمعی را در مقابله با این ستم و قانون شکنی، حق مسلم کارگران می داند."

- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری نیز در بیانیه ای تحت عنوان "ادامه فلاکت کارگران ایران، با دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی!"، میگوید: "معنای واقعی تعیین چنین دستمزدی برای کارگران آن است که آنها و خانواده های شان در سال آینده نیز برای امرار معاش ناچارند از هزینه های زندگی کم کرده و برای افزایش بیشتر سود صاحبان سرمایه، بیش از پیش به ریاضت کشی اقتصادی روی آورند. سیر صعودی قیمت کالاها ناشی از اجرایی شدن مرحله دوم طرح

میلیونها خانواده کارگری را به روز سیاه نشانده اند. بر این اساس، اتحادیه آزاد کارگران ایران همدوش با طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران اعلام میدارد چنانچه به فوریت و حداکثر تا آخر فروردین ماه سال آینده تجدید نظری در حداقل مزد صورت نگیرد و حداقل مزد بر اساس اجرای بی چون و جرای ماده ۴۱ قانون کار تعیین نشود اقدام به فراخوان تجمعات خیابانی کارگری خواهد کرد و بدیهی است که تبعات امنیتی چنین رویکردی از سوی ما کارگران مستقیماً بر عهده رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت و وزیر کار به عنوان رئیس شورای عالی کار خواهد بود."

در همین راستا هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا طی نامه ای به وزیر کار بر خواست تجدید نظر در تصمیم شورای عالی کار مبنی بر تعیین ۶۰۸ هزار تومان میشوند. - سندیکای شرکت واحد در اطلاعیه ای تحت عنوان "سالی که نکوست از بهارش پیداست" اعتراض خود را در رابطه با تصمیم دولت بر سر میزان حداقل دستمزدها چنین بیان میکند:

"در حالیکه غول گرانی در سال ۱۳۹۳ بیشتر از گذشته طومار معیشت کارگران را درهم خواهد پیچاند، افزایش دستمزد کارگران برای سال ۹۳ کماکان ۱۰-۱۵ درصد زیر خط تورم می باشد و این به معنای افزایش فقر و فلاکت بیشتر در زندگی کارگران است. و در حالیکه میلیون ها کارگر ایرانی از این بی عدالتی خشمگین و معترضند، در تبلیغات سرسام آور ادعا می شود، تصمیم برای تعیین دستمزد سال ۱۳۹۳ با حضور نمایندگان کارگران اتخاذ

ناچیز ۲۵ درصد افزایش پیدا کرد و وزیر کار طی صحبتتهائی در جلسه شورای عالی کار تصویب این میزان از حداقل مزد را حاصل اجماع و رای مطلق اعضا و ناظران تشکلهای به اصطلاح کارگری خواند و پیروزمندانه تا آنجا که توانست به مدح بند و بست نماینده های دست ساز کارگری و دولت و کارفرمایان پرداخت.

تصویب چنین میزانی از حداقل مزد در شرایطی صورت گرفته است که علاوه بر خالی شدن هر روزه سفره های ما کارگران در طول سالهای گذشته، همین امروز میزان تورم رسمی ۳۶ درصد است و بهای آب و برق به میزان ۲۴ درصد افزایش پیدا کرده است و قرار است از ۱۵ فروردین ماه سال آینده قیمت حاملهای انرژی نزدیک به ۵۰ درصد افزایش پیدا کند که بی تردید باعث افزایش هزینه های زندگی تا صد در صد خواهد شد. تمامی این واقعیات و تحمیل افزایش حداقل مزد به میزان ناچیز ۲۵ درصد، بیش از هر چیزی بیانگر این است که دولت تدبیر و امید نه دولتی برای رفع مشکلات معیشتی ما کارگران و مردم ایران، بلکه تدبیر و امیدی برای حفظ و تضمین سودهای نجومی اقلیت ناچیز سرمایه داران و دولت به عنوان بزرگترین کارفرماست." و در آخر این بیانیه با تأکید بر حق کارگران به اعتراض در برابر این بردگی چنین آمده است: "اما ما کارگران مطابق میل دولت و کارفرمایان تن به هر بردگی و حقارتی نخواهیم داد، ما مبشر زندگی و حیات در جامعه بشری هستیم و با مقاومت و اعتراضات قدرتمندمان نشان خواهیم داد که آوارگی و حقارت شایسته کسانی است که زندگی

دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی تعیین شده از سوی دولت اسلامی، بر خشم و اعتراض در میان کارگران دامن زده است. از جمله در همان روز اعلام این تصمیم از سوی دولت، تشکلهای مختلف کارگری که به همت خود کارگران تشکیل شده اند، طی بیانیه هایی صدای اعتراض خود را علیه این تصمیم بیشزمانه دولت بلند کردند. همچنین طی همین مدت فعالین و رهبران کارگری در نوشته ها و بیانیه هایشان این تصمیم دولت را محکوم کرده و با خواست پس گرفتن این تصمیم از سوی دولت بر افزایش فوری دستمزدها تأکید کردند.

تعیین حداقل دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی چند بار زیر خط فقر، در کنار گران شدن کالاهای حامل انرژی و افزایش بیشتر قیمت ها، و نیز تعیین دستمزد توسط شورای عالی کار و نبود نمایندگانی از خود کارگران در این تصمیم گیری، محور اعتراض همه این تشکل ها و کارگران در ایران است. خواست کارگران تجدید نظر در تصمیم شورای عالی کار و اولتیماتوم آنان به گسترش اعتراضات سراسری در برابر تحمیل این بردگی به کارگران است. بخش هایی از این بیانیه ها را در زیر میخوانید:

- اتحادیه آزاد کارگران ایران و هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها، طی اطلاعیه ای تحت عنوان "پیش به سوی تجمعات خیابانی بر علیه مصوبه مزد شورای عالی کار" اعتراض کل کارگران به این تصمیم را بیان میکنند. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمده است: "امروز جمعه ۲۳ اسفند ماه حداقل مزد کارگران برای سال آینده به میزان بسیار

اقتصاد مقاومتی، طرحی برای تعرض به کارگران!

شهلا دانشفر

شدن ساعت کار کارگران و در نتیجه بالا بردن بهره وری کا و کار آفرینی!!" و در کنار آن تحمیل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر ۶۰۸ هزار تومانی جوهر اصلی اقتصاد مقاومتی خامنه ایست.

اقتصاد مقاومتی در عین حال طرح حکومتی است که اقتصادش به گل نشسته و در بن بست کامل به هر دری میزند. از جمله نتیجه اجرای مرحله اول طرح یارانه هایشان و صندوق خالی دولت را دیدیم. در آستانه اجرای مرحله دوم نیز بی سرانجامی این طرح را به روشنی میتوان دید. طرحشان اینست که به هر شکل شده ۴۸ هزار میلیارد تومان از قبل اجرای این طرح

اجرای طرح هدفمند کردن یارانه های حکومت و فقر و فلاکت بیشتر برای کل جامعه است. در رابطه با این سیاست حیدر مستخدمین حسینی از کارشناسان اقتصادی حکومتی در گفتگو با ایلنا با اشاره به اینکه در حال حاضر تنها از ظرفیت ۴۰ درصد صنایع استفاده میشود، بر سه شیفته شدن کار در تمام کارخانه ها بعنوان عامل موثری در تحقق اقتصاد مقاومتی تاکید کرده و میگوید: "کوتاهی ای که در سالهای گذشته شده باید جبران شود و خروج از این وضعیت با همکاری دولت، مجلس، قوه قضاییه ممکن خواهد بود." بدین ترتیب سه شیفته کردن کارخانجات، طولانی

۲۹ بهمن ۹۲ خامنه ای رئیس سیاستهای اقتصاد مقاومتی خود را در ۲۴ بند اعلام داشت. محور بودن "رشد بهره‌وری" در اقتصاد، اجرای مرحله دوم "طرح هدفمند کردن یارانه ها"، صرفه جویی در "هزینه های عمومی کشور"، تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص "دارای خدمات برجسته" در این زمینه، از جمله رئوس این سیاستهاست. معنی آشکار همه اینها نیز کشیدن کار بیشتر از گرده کارگر در قبال دستمزد کمتر و گرانی هر روزه قیمت هاست. معنی آشکار این سیاست ادامه

نام گذاشته و کل حکومت را به جهاد برای "اقتصاد مقاومتی" خود فرا میخواند. روحانی نیز در سفر استانی خود به استان هرمزگان با اشاره به کمبود منابع مالی دولت برای پرداخت یارانه ۴۵ هزار و پانصد تومانی آب پاک روی دست همه ریخته و میگوید: "یک مقدار باید کمربندها را سفت کنیم! توقعات را کم کنیم! و به آینده نگاه کنیم!" خلاصه کلام اینکه اقتصاد مقاومتی جناب خامنه ای و همه طرحهایشان، طرحی برای تعرض بیشتر به کارگران و کل جامعه است. اما کارگران در همان اولین روز اعلام میزان حداقل دستمزد برای سال ۹۳، پاسخ این گستاخی ها را دادند و اعلام داشتند که اعتصابی سراسری در مقابل این تصمیم دولت را حق خود دانسته و اولتیماتوم به لغو این تصمیم دادند. جامعه نیز در مرز انفجار قرار دارد. پاسخ اقتصاد مقاومتی خامنه ای همان گفته کارگران، یعنی اعتراضات سراسری کل جامعه است.*

از صفحه ۴

حداقل دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی و ...

را در گفتمان های کارگران و اولتیماتوم دادنیشان و نیز اعتراضات هر روزه کارگری و نیز در فضای پر از التهاب جامعه میتوان به روشنی دید. همین امروز کارگران دارند از حداقل دستمزد در گام اول دو میلیون تومان سخن میگویند. همین امروز کارگران دارند از حق خود برای اعتراضات سراسری و خواست فوری افزایش دستمزدها میگویند. باید وسیعا به این اعتراضات پیوست. اول مه روز جهانی کارگری میتواند فرصتی باشد برای اعتراضی سراسری بر سر خواست افزایش دستمزدها و علیه فقر و گرانی حاکم بر کل جامعه، از هم اکنون به استقبال چنین روزی برویم.*

مجلس اسلامی در گفتگویی بر سر تعیین سطح درآمد معینی برای پرداخت یارانه ها از این میگوید که در تهران کسی که مستاجر است حتی با درآمد ۵ میلیون زیر خط فقر زندگی میکند. اما علیرغم همه این اظهارات و دانسته ها رژیم اسلامی با وقاحت تمام به چشم کارگران و کل جامعه نگاه کرده و دستمزد ۶۰۸ هزار تومان را تعیین میکنند. روشن است که کارگران و مردم به این تصمیم و به تهاجمات هر روزه حکومت اسلامی به زندگی و معیشت خود تسلیم نخواهد شد. بطور واقعی نیز همه شواهد حکایت از احتمال رودرویی مردم با این حکومت بر سر نان و معیشت در چشم اندازی نزدیک را دارد. این

ما آن گرایشی در جنبش کارگری هستیم که طبقه کارگر را صاحب صلاحیت و موظف به دخالت اجتماعی در مقیاس وسیع، در قلمرو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی میدانند و میخواهد کارگر در قامت ارائه کننده آلترناتیوی برای کل جامعه بشری ظاهر شود. افق، نقد اجتماعی، تئوری، اتحاد برای انقلاب اجتماعی از نظر ما مهم است، همانطور که افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، آزادی اعتصاب و متحد شدن برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی اقشار کارکن جامعه در هر مقطع برای ما مهم است. هر یک از این وجوه مبین بعدی از حیات و مبارزه و ابراز وجود طبقه کارگر است و از نظر ما قابل تفکیک و قابل چشم پوشی نیست. تمام آن گرایشات اجتماعی، اعم از کارگری و غیر کارگری که این کلیت را میشکنند، که انقلاب اجتماعی را از کارگر و کارگر را از انقلاب اجتماعی دور نگاه می دارند، باید زیر انتقاد ما باشند.

منصور حکمت

— مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری —

تیرماه ۱۳۷۱، کارگر امروز

سال سقوط اقتصاد ایران

اقتصاد مافیائی غارت و چپاولی است که همه جناحهای حکومتی از بیت رهبری و خانواده رفسنجانی و آیت الله های ریز و درشت از همه جناحها در آن همدست و شرك جرم هستند. يك قلم رانت خواری در واردات خودرو که به گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس "رکورد فساد سه هزار میلیاردی" را شکسته است- البته بی آنکه در این گزارش هیچ نام و نشانی از رانت خواران علنی شود- نشان میدهد که "اشتباه" و "سوء مدیریت" از کجا نشات میگیرد.

بانک مرکزی در گزارش سالیانه خود سال گذشته را سال سقوط اقتصاد ایران خوانده است. آمار منتشر شده در این گزارش حاکی از رشد منفی ۸.۵ درصدی اقتصاد، افزایش نرخ تورم از ۱۲،۴ به ۳۰.۵ درصد، کاهش ۲۹ درصدی سرمایه گذاریها، افزایش بیکاری، و کاهش قدرت خرید کارگران و حقوق بگیران است. گزارش سعی کرده است این از هم پاشیدگی اقتصادی را ناشی از سیاستهای اشتباه و سوء مدیریت در دوره احمدی نژاد قلمداد کند. اما این وضعیت ناشی از اشتباهات هیچ دولت و مقامی نیست، حاصل

"بجای سیستم قضائی جمهوری اسلامی باید بلال کاشت!"

ابتدائی ترین حقوق مدنی افراد در هیچ جای دنیا بجز کشورهای اسلامزده جرم محسوب نمیشود، جنایتی است که مستحق سنگسار و اعدام است! بزرگترین دستگاه جنایت در جمهوری اسلامی همین سیستم قضائی و قضات شرع و وضع کنندگان و عاملین و مجریان قوانین شرعی است!

این يك سیستم بغایت عقب مانده و ضد انسانی، خونی-عشیرتی، و مبتنی بر مناسبات جوامع بدوی ۱۴۰۰ سال قبل است. این دستگاه جنایت و آدمکشی شرعی را باید بهمراه حامیان و مجریانش به زباله دان تاریخ فرستاد. و یا بقول یکی از مخالفین مجازات اعدام، که هفته قبل در صفحه دفاع از کارزار نجات ریحانه از ایران کامنت داه بود، "سیستم قضائی جمهوری اسلامی را باید شخم زد و بجایش بلال کاشت!" *

در برابر کارزار نجات ریحانه از اعدام، جمهوری اسلامی به سیاق همیشه پای خانواده مقتول را بمیان کشیده است. حکومت صدهزار اعدام ظاهر بیطرف بخود میگیرد و اعلام میکند اگر اولیای دم رضایت بدهند ریحانه اعدام نمیشود! اما گذشته از این در مقابل هم قرار دادن خانواده ها و شریک جرم کردن خانواده مقتول در اعدام یعنی قتل نفسی که خود دولت جمهوری اسلامی مسئول و مسبب آنست، عمق تحجر و عقب ماندگی سیستم قضائی اسلامی را در همین اصل شرعی "جلب رضایت اولیای دم" نیز میتوان مشاهده کرد. بر مبنای سیستم قضائی شرع اسلام قتل جرمی است که مجازات آن به رضایت خانواده مقتول مشروط میشود ولی امور خصوصی نظیر ترك دین (ارتداد)، همجنسگرایی، رابطه جنسی خارج از ازدواج که بر مبنای

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

جمهوری اسلامی و مخمصه حقوق بشر!

ما هر بلاتی به سر مردم ایران می آوریم بخاطر تعالیم دینی و اسلامی است و لطفا شما همانطور بما برخورد کنید که به دولتی مثل عربستان سعودی برخورد میکنید.

غرب هم البته میتواندست مشکلی با جمهوری اسلامی نوع عربستان سعودی نداشته باشد. اتحادیه اروپا کارت حقوق بشر را غلاف میکرد اگر جمهوری اسلامی میتواندست از غربستیزی اش دست بکشد. اما جمهوری اسلامی هم خدا را میخواهد و هم خرما را! هم میخواهد روابط اقتصادی و دیپلماتیک حسنه با اتحادیه اروپا داشته باشد و هم از خر شیطان بزرگ پائین نیاید. و چاره ای هم ندارد! عربستان سعودی مظهر اسلام آمریکائی است اما بند ناف جمهوری اسلامی را با مرگ بر شیطان بزرگ بریده اند. هر درجه عقب نشینی از غربستیزی، جمهوری اسلامی را با بحران هویتی و ساختاری و تلاطمات شدید ایدئولوژیک سیاسی مواجه خواهد ساخت و توده مردمی که مترصد فرصت برای بزیر کشیدن آن هستند را بمیدان خواهد کشید! این اساس مخمصه و پارادوکسی است که جمهوری اسلامی در رابطه با غرب به آن گرفتار شده است! *

"جمهوری اسلامی ایران با الهام از تعالیم دینی و اسلامی، حفظ و رعایت حقوق شهروندان و ارتقای حقوق بشر را بطور جدی دنبال می کند و طرح ادعاهای يك طرفه، بی اساس و غیرمستند در این زمینه به طور قطع کمک کننده نخواهد بود."

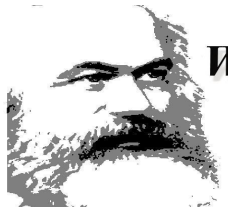
این بخشی از اظهارات سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به قطعنامه پارلمان اروپا در مورد نقض حقوق بشر در ایران است. هم قطعنامه پارلمان اروپا و هم واکنش جمهوری اسلامی به آن بخوبی جوهر رابطه غرب و جمهوری اسلامی و اهداف هر يك از طرفین از مذاکرات بر سر مساله هسته ای را برملا میکند.

اتحادیه اروپا برای باز کردن دفتر نمایندگی خود در ایران مساله حقوق بشر را پیش کشیده است. این کارت سنتی ای است که معمولا دولتهای غربی برای اعمال فشار بر دولتهای مخالفشان بکار میگیرند و اینجا هم مشخصا رعایت حقوق بشر اسم رمز دست کشیدن جمهوری اسلامی از سیاستهای ضد غربی ضد آمریکائی و قرار گرفتن در چارچوب سیاستهای منطقه ای غرب است. در مقابل جمهوری اسلامی تعالیم دینی و اسلامی را بر مخمصه حقوق بشر میکشد. یعنی

وقتی خط امامی ها مترجم میشوند!

آمریکائی دیروز و مترجم امروز دو روی درماندگی رژیم است که از بدو بقدرت رسیدنش با بحران مواجه بوده است! در آن زمان به سفارت آمریکا حمله کردند که انقلاب مردم را تحریف و نهایتا سرکوب کنند و امروز از خود رفع اتهام میکنند تا از بحران اقتصادی سیاسی که گریبانشان را گرفته است خلاص شوند. مشکل امروز حکومت نیز مانند گذشته نه رابطه با آمریکا بلکه "تنظیم رابطه" با مردمی است که از روز نخست به این حکومت تمکین نکرده و به مقابله با آن برخاسته اند. *

دولت روحانی فردی بنام حمید ابوطالبی را که از دانشجویان سابق خط امام و از حمله کنندگان به سفارت آمریکا و گروگان گیری در جریان تسخیر سفارت بوده است، بعنوان نماینده خود در سازمان ملل معرفی کرده است. این تصمیم با اعتراض شدید دولت آمریکا روبرو شده است و در مقابل دانشجوی خط امامی سابق شرکت خود در جریان سفارت گیری را رد کرده و ادعا کرده است که بعنوان مترجم در این جریان شرکت داشته است! وضعیت مضحکی است! دانشجوی ضد



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

امیدوارم بزودی آزادی ریحانه را جشن بگیریم!

حکم شویم.

انترناسیونال: کمپین چگونه پیش رفت و این برگه‌های برنده که می‌گویید کدام‌ها هستند؟

مینا /حدی: ما اعلام یک کمپین جهانی کردیم و اولین اتفاق این بود که خبر وسیعا در همه جا پخش شد. ما یک طومار اعتراضی بصورت آنلاین گذاشتیم که مردم امضا کنند. خوشبختانه امروز دیدم نزدیک به صد و سه هزار نفر اینرا امضا کرده‌اند. وقتی تعداد به ۱۰۰۰۰۰ رسید ما آنرا برای دفتر کاترین اشتون و بان کی مون و احمد شهید ارسال کردیم و قرار است بزودی این مقامات و یا نمایندگان اینها را ملاقات کنیم.

ما در چندین شهر دنیا تظاهرات‌هایی را سازمان داده ایم. در استکهلم، تورنتو، اسلو و همچنین یوتبورگ و غیره دوستان زیادی فراخوان به میتینگ اعتراضی داده و به خیابان رفتند و اعتراض کردند. اکنون یک صفحه فیس بوکی داریم به اسم من ریحانه جباری هستیم که اخبار کمپین را در آنجا میتوان پیدا کرد.

رسانه‌های فارسی زبان، کم‌کم توجهشان به این کمپین جلب شده و تعدادی آنرا پوشش خبری داده‌اند. تلویزیونهای متعددی در این مورد حرف زده و کانال جدید چندین برنامه مستقیم در این مورد به زبان فارسی و ترکی داشته‌اند.

صدهزار نفر از سراسر جهان این طومار را امضا کرده و در جریان قرار گرفتند. کمپین هر روز اطلاعیه میدهد و اخبار و اتفاقات را پوشش خبری میدهد. مهمترین نکته بنظر من دخالت فعال جوانان در این موضوع است. اکنون بسیاری از امضاها از ایران و یا از طرف

ایرانیان است. جوانهای زیادی بحث میکنند که این چه سیستم قضایی است و یا این چه رفتار غیر انسانی با زنان و دختران در ایران است و خلاصه بحث بسیار داغ است و به نظر من به مغز استخوان جامعه خورده است که سیستم قضایی و رفتار زن ستیزانه جمهوری اسلامی باید مورد اعتراض همگانی قرار بگیرد.

انترناسیونال: الان اوضاع در ایران چگونه است آخرین اخبار چیست؟

مینا /حدی: اخبار حاکی از اینست که اولاً ریحانه خبر را شنیده و میدانند ممکن است هر لحظه اعدام بشود. اما او با روحیه بالا پیام داده که میخواهد قلبش را تقدیم کند این در حقیقت رو در روی انسانیت و روحیه فداکاری در بین مردم و در اینمورد ریحانه و در مقابل سیستم و حکومتی ضد انسانی و جنایت پیشه است.

در عین حال خبر داریم که کمپین گسترده جهانی روی صفوف حکومت اسلامی تاثیر داشته و بین اینها شکاف انداخته است. صحبت از کنار آمدن و

کوتاه آمدن میزنند، حتی شنیده‌اند که نامه برای لاریجانی نوشته‌اند و بخشی از حکومت از او خواسته که حکم را لغو کند. او هنوز کوتاه نیامده است.

بهر حال ما منتظر جلسه شبه میمانیم و بعد از آن بر اساس تصمیمات در آنجا اقدامات بعدی خود را تا تعیین خواهیم کرد.

انترناسیونال: شنیدیم که مادر ریحانه مدرس تناظر و هنرمند است آیا هنرمندان در این مورد فعالیت‌بودند؟

مینا /حدی: بله تعدادی از همکلاسی‌های شعله پاکروان مادر ریحانه وارد این کمپین شده و سعی در نجات ریحانه کرده‌اند، من شنیده‌ام که هنرمندان میخواهند یک نامه اعتراضی مشترک بنویسند و از ایران خبردار شده ایم که هنرمندان زیادی سعی در نجات جان ریحانه میکنند. شاهین نجفی علنی از ریحانه دفاع کرد. فاطمی محمدی یکی از دوستان نزدیک شعله پاکروان یک نامه نوشت و از ریحانه دفاع کرد و این اقدامات ادامه دارد.

انترناسیونال: ارزیابی شما

از این کمپین چیست؟
مینا /حدی: این یکی از مهمترین کمپین‌ها علیه اعدامها در ایران است. یک کمپین جهانی که توجه میلیونها نفر و سمپاتی و دفاع فعالانه هزاران نفر را باعث شده است. این کمپین در بین جوانان در ایران بسیار منعکس شده و به نوعی یک صف محکم از بین مردم ایران و جهان علیه اعدامها در ایران ایجاد کرده است. در اینجا به عینیه بی گناهی یک دختر ویسیستم ظالمانه حکومت اسلامی را می بینید و این کمپین شانس زیادی دارد که نتیجه داده و جان ریحانه را نجات دهد و در عین حال تو ذهنی محکمی به حکومت اسلامی ایران در مورد پدیده اعدام یعنی قتل عمد دولتی بزند.

من امیدوارم بزودی خبر لغو حکم اعدام و خبر آزادی ریحانه را بدیم و همه باهم این موفقیت بزرگ را جشن بگیریم.*

ماشین کشتار و جنایت جمهوری اسلامی را متوقف کنیم! یوتبورگ، شنبه ۵ آوریل ۳ تا ۴ بعدازظهر

۱۵ الی ۱۶
کمیته بین المللی علیه اعدام- گوتنبرگ
فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی- گوتنبرگ
۲۹ مارس ۲۰۱۴
آدرس طومار اعتراضی به حکم اعدام ریحانه را امضا کنید:

https://secure.avaaz.org/en/petition/Catherine_Ashton_Ban_Ki_Moon_Ahmad_Shaheed_Save_26_year_old_woman_from_being_hanged_in_Iran/?sgoyhhb

ریحانه قرار دارند. ۹۰ هزار نفر از ایران و از سراسر جهان با امضای طومار به این حکم ضدانسانی اعتراض کرده و خواهان لغو حکم اعدام او شده‌اند و امضاها ادامه دارد. همه شما را فرامیخوانیم که با تمام قوا در مقابل ماشین جنایت جمهوری اسلامی بایستید، این طومار را امضا کنید و در آکسیون اعتراضی روز شنبه شرکت کنید.

مکان: یرن توریت گوتنبرگ سوند
شنبه ۵ آپریل ۲۰۱۴ ساعت

به همه انسان‌های آزادیخواه! ریحانه جباری دختر ۲۶ ساله‌ای است که در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی متهم به قتل شده است. ریحانه متهم است که یک مامور سابق وزارت اطلاعات را که قصد تجاوز به او داشته به قتل رسانده و به اعدام محکوم شده است.

ریحانه ۷ سال است در زندان به سر میبرد و خانواده اش از ۷ سال پیش تا به امروز تحت فشارهای سنگین نهادهای امنیتی رژیم قرار داشته‌اند که ساکت بمانند و امروز در مقابل فاجعه اعدام

آخرین گزارش از کمپین نجات ریحانه جباری

نازنین افشین جم از طرف کمپین نجات ریحانه با احمد شهید ملاقات میکند!

چهارشنبه ۲ آوریل ۲۰۱۴ برابر با ۱۳ فروردین ۱۳۹۳



تلاش برای لغو حکم اعدام

ریحانه جباری زن جوان ۲۶ ساله ای است که در خطر اعدام هست. ریحانه به اتهام قتل فردی به اسم مرتضی دستگیر و هفت سال است که در زندان است.

ریحانه طراح دکوراسیون بود. مرتضی زمانی که ریحانه در یک کافی شاپ مشغول مکالمه تلفنی بود، تصادفاً این مکالمه را شنیده و از شغل ریحانه خبردار میشود. او از ریحانه می خواهد که برای انجام کار دکوراسیون به دفترش مراجعه کند. چندی بعد آنها با هم قرار میگذارند که برای نشان دادن محل و صحبت کردن در مورد کار راهی دفتر کار مرتضی شوند.

پس از اولین ملاقات، ریحانه سوار ماشین مرتضی برای رفتن به محل کار او جهت انجام کار میشود در مسیر رفتن به سوی محل کار، مرتضی در مقابل یک داروخانه می ایستد و اجناسی را از داروخانه میخرد. سپس مرتضی مجدداً سوار اتومبیل شده و همراه ریحانه به سوی دفتر مرتضی حرکت می کنند. پس از اینکه به محل میرسند، ریحانه متوجه میشود که آنجا محل کار نیست بلکه یک خانه متروکه است. مرتضی دو لیوان شربت روی میز گذاشته و فورا در را می بندد و دستش را دور کمر ریحانه گره زده و به او میگوید راه فرار نداری! در درگیری ریحانه با مرتضی و در جریان دفاع از خود، ریحانه با چاقو به کتف مرتضی ضربه ای زده و فرار میکند. مرتضی گویا در اثر خونریزی فوت میکند.

آزمایشات نشان داده که آبیپوه روی میز حاوی داروی

ایران یعنی همان کسانی که حکم اعدام را داده اند، وادار کرد که این حکم را لغو کنند.

روز ۱۰ آوریل پنجشنبه روز جهانی همبستگی با ریحانه جباری است. از همگان دعوت میکنیم برای انجام مجموعه فعالیتها برای این روز آماده باشند.

ما از همه شما درخواست میکنیم که طومار اعتراض به حکم اعدام ریحانه را تبلیغ کنید و از همه بخواهید امضاها را ادامه دهند. ما باید این هفته در همه جا آماده باشیم، به محض اینکه اطلاع یافتیم که اوضاع ریحانه خطرناک است باید همه دست به دست هم داده و اقدامات بیشتری را در دستور بگذاریم.

هفته همبستگی با ریحانه جباری ، هفته

صحبت میکند.

ما در صد گرفتن ملاقات با دفتر کاترین اشتون و کمیسیونهای حقوق بشر در کشورهای اروپایی هستیم و فعالیتهای خودمان برای نجات ریحانه را گسترش خواهیم داد.

همانطور که قبلاً نیز اعلام کردیم، روز شنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۳ قرار است جلسه ای با حضور خانواده مقتول تشکیل شود، اخبار حکایت از این دارد که خانواده مقتول بر اجرای حکم اعدام و حتی تسریع در اجرای آن اصرار دارند، اگر جمهوری اسلامی ایران علیرغم این اعتراضات گسترده به حکم اعدام ریحانه، بر اجرای حکم اصرار کند، باید در سراسر جهان میتینگ و تحصن و مجموعه اقدامات اعتراضی را در دستور گذاشت و باید حکومت اسلامی

گزارش به ۱۰۰۰۰۰ نفر که طومار اعتراض به اعدام ریحانه را امضا کردند!

امروز امضاها شما که بیش از ۲۳۰۰ صفحه بود، در سه نسخه چاپ و برای احمد شهید، بان کی مون و کاترین اشتون، ارسال شد. امضا طومار کماکان ادامه دارد.

ما قول داده بودیم که وقتی این امضاها به ۱۰۰۰۰۰ رسید، آنرا برای این سه نفر ارسال کنیم. امروز نازنین افشین جم، یکی از فراخوان دهندگان این کمپین بزرگ برای نجات ریحانه جباری، با احمد شهید ملاقات میکند و از طرف کمپین نجات ریحانه و شما که با امضا طومار و یا با برگزاری میتینگ و پخش خبر در مورد ریحانه و... با این کمپین همیاری کردید، با احمد شهید در مورد نجات ریحانه

بیهوشی بوده است. ریحانه را دستگیر کرده و بعد از شکنجه از او اقرار میگیرند که قتل برنامه ریزی شده بود و حتی گفته میشود به او گفته اند قتل سیاسی بوده است. مرتضی یکی از همکاران قبلی وزارت اطلاعات بوده است.

ریحانه را به اعدام محکوم کرده اند و اکنون با تأیید این حکم و ابلاغ آن به اجرای احکام ممکنست هر لحظه ریحانه را اعدام کنند.

ما با اعلام کمپین نجات ریحانه از همگان خواهانیم که هر کس هر امکانی دارد بکار گیرد تا ریحانه را نجات دهیم..

اگر امکان تماس با رسانه ها را دارید به همه این خبر را بدهید، اگر امکان تماس با دولتها و نهادهای حقوق بشری را دارید، با آنها تماس بگیرید، اگر امکان سازمان دادن میتینگ و یا ارسال نامه اعتراضی را دارید این اقدامات را فورا در دستور بگذارید.

ما از فردا شنبه ۲۱ مارس تا شنبه ۲۸ مارس را هفته همبستگی با ریحانه اعلام میکنیم.

شنبه ۲۸ مارس در شهرهای مختلف دنیا میتینگ و اعتراضاتی علیه حکم اعدام او برپا خواهیم کرد.

کمک کنید جان این زن جوان را نجات دهیم. در قدم اول طومار اعتراضی را امضا کنید.

نازنین افشین جم
شادی پاوه
شبنم اسداللهی
مینا احدی
۲۱ مارس ۲۰۱۴

تماس:
hamseda@gmail.com
minnaahadi@gmail.com

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کاسبی تحریم و بجیب زدن سوده های نجومی بر مبنای تفاوت نرخ ارز و غارت معادن و جنگلها و ثروت های طبیعی، اساس سیاستها اقتصادی جمهوری اسلامی خواهد بود و خوابیدن چرخ تولید، بحران و تورم و بی تامینی و نا امنی و

این سیاستها - و یا هر سیاست دیگری - به خط غالب و رسمی حکومت تبدیل بشود بحران اقتصادی جمهوری اسلامی بهبود و حتی تخفیفی پیدا نخواهد کرد. تا وقتی باندهای مافیائی حاکم در قدرت هستند چپاول و رانت خواری و ویژه خواری و دزدی و اختلاسهای صدها میلیاردی و بازار سیاه و قاچاق و

سال تشدید تناقضات حکومت

.....

همچنان لاینحل باقی خواهد ماند و حتی پیچیده تر و بحرانی تر خواهد شد.

انترناسیونال: آیا در سال گذشته بحران اقتصادی جمهوری اسلامی تخفیف یافت؟ سیاست های اقتصادی رژیم در چه جهت پیش می رود؟ خامنه ای دو هفته قبل در سخنرانی خود صحبت از يك اقتصاد مقاومتی و بسته کرد. در حالی که سیاست دولت متکی بر گسترش رابطه اقتصادی با غرب و تشویق سرمایه گذاری خارجی است. این دو گانگی باخاطر چیست؟

حمید تقوائی: در سال گذشته حتی بنا به آمار حکومتی و گزارش سالیانه بانک مرکزی وضعیت وخیم اقتصادی جمهوری اسلامی نه تنها بهبودی پیدا نکرد بلکه به مراتب بحرانی تر و وخیم تر شد. آنچه رونق گرفت تنها گفتمان در مورد پیشرفت و شکوفائی اقتصادی بود! اما حتی در سطح گفتمان هم سیاستهای ضد و نقیضی اعلام شد. همانطور که اشاره کردید روحانی سیاست درهای باز و دعوت از سرمایه گذارهای خارجی را مطرح میکند و در مقابل خامنه ای اقتصاد مقاومتی را علم کرده است. هر دو این طرح ها در غالب اقتصاد و استراتژی اقتصادی بیان میشوند اما قبل از هر چیز دو خط متفاوت سیاسی مقابله و یا کنار آمدن با غرب که در بالا توضیح دادم را مطرح میکنند. در اقتصاد مقاومتی مقابله و مقاومت در برابر غرب پیش فرض گرفته شده است و سیاست اقتصادی روحانی برعکس، بر عادی سازی رابطه با غرب مبتنی است. این دوگانگی در واقع انعکاس پارادوکس جمهوری اسلامی در سطح اقتصاد است.

مستقل از این که کدام يك از

سیر مذاکرات هسته ای و توافقات تاکنونی بین جمهوری اسلامی و غرب نیز بروشنی مهر این تناقض را بر خود دارد. باید توجه داشت که مساله هسته ای خود محمل مساله پایه ای تر رابطه جمهوری اسلامی با غرب است. جمهوری اسلامی آماده است تا پروژه هسته ای را کاملاً محدود و حتی متوقف کند مشروط بر آنکه این عقب نشینی به از دست رفتن هویت و موقعیتش بعنوان يك محور و ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی منجر نشود. برای غرب مساله برعکس است. غرب در پی آنست که جمهوری اسلامی را به يك رژیم متعارف و سربراه در چارچوب سیاستها منطقه ای خود تبدیل کند و حل مساله هسته ای را اولین گام در این جهت میدانند. قطعنامه اخیر اتحادیه اروپا در مورد لزوم رعایت حقوق بشر در ایران و عکس العمل جمهوری اسلامی نسبت به آن - به عنوان دخالت ناموجه غرب در امور داخلی ایران و عدم احترام به باورهای دینی و فرهنگی مردم - نشانه این کشمکش بین غرب و جمهوری اسلامی است. نشانه دیگر این کشاکش، تمرکز اخیر خامنه ای و دیگر مقامات و دستگاههای تبلیغی حکومت بر مسائل فرهنگی و همطراز قرار دادن فرهنگ با اقتصاد است. اینها همه نگرانی بجای حکومت از بر باد رفتن هویت اسلامی - ضد آمریکائی اش در اثر نزدیکی با غرب را نشان میدهد.

با توجه به عوامل که برشمردم میتوان گفت که گرچه مذاکرات جاری میشوند بر سر مساله پروژه هسته ای و یا تحریمها به توافقاتی بین غرب و جمهوری اسلامی منجر بشود ولی مساله اساسی تر رابطه جمهوری اسلامی با غرب

غرب ستیزی، جمهوری اسلامی را از نظر سیاسی و اقتصادی در دیپلماسی و در بازار جهانی منزوی کرده است - تحریمهای اقتصادی تنها یکی از وجوه این انزوای جهانی است. ازینرو رژیم از یکسو ناگزیر است برای سر و سامان دادن به معضلات عاجل سیاسی و اقتصادی خود با غرب رابطه برقرار کند و از سوی دیگر از نقطه نظر استراتژیک و ایدئولوژیک ناگزیر است همچنان هویت و ضد آمریکائی گری خود را حفظ کند. هر درجه تخفیف در جهتگیری و خط اسلام ضد آمریکائی بنیادهای جمهوری اسلامی را به لریزه خواهد انداخت. جمهوری اسلامی همیشه با این تناقض روبرو بوده است اما در دوره احمدی نژاد این مساله به نقطه اوج خود رسید. دولت روحانی (و خط رفسنجانی که بوسیله این دولت نمایندگی میشود) راه حلی برای این مساله ندارد. بلکه تنها تمرکز از يك بال این دو قطبی - استراتژی غربستیزی - را به بال دیگر - تاکتیک حل مشکلات اقتصادی و دیپلماتیک - منتقل میکنند. اما این پارادوکس همچنان بر سر جای خودش هست.

روند سیاست تعامل با غرب و نتایج آن تماماً به این بستگی دارد که جمهوری اسلامی تا چه حد میتواند رابطه سیاسی - اقتصادی خود با غرب را متعارف کند بی آنکه به جهتگیری و رویکرد استراتژیک - ایدئولوژیک اش خدشه ای وارد آید. دعوا و کشمکش جناحهای حکومتی اساساً ازینجا ناشی میشود. مساله بر سر تفاوت کابینه های احمدی و نژاد و روحانی نیست بلکه تعیین خط سازش و بالانس بین غربستیزی و تعامل با غرب است.

سال تشدید تناقضات حکومت

.....

بی ثباتی سرمایه گذاری جزء لایتجزای این سیستم است. به این دلیل است که ما همیشه تاکید کرده ایم تا جمهوری اسلامی بر سرکار است اقتصاد سرمایه داری در ایران یک شکل متعارف بخود نخواهد گرفت.

اما مساله مهمتر اینست که این وضعیت اقتصادی برای کارگران و توده شریف مردمی که با کار و دسترج خود زندگی میکنند، یعنی برای نود و نه درصد جامعه، به معنی زندگی چند مرتبه زیر خط فقر و بیکاری و بی تامینی و فلاکت است. حتی اگر تحریمها تماما لغو شود و جمهوری اسلامی بتواند به رابطه متعارفی با غرب برسد، سفت کردن کمر بندها و ریاضت کشی اقتصادی پیش فرض و پیش شرط هر نوع تخفیف بحران اقتصادی و کارکرد متعارف سرمایه ها در ایران خواهد بود. و از هم اکنون حتی در همین سیاستهای دو گانه اعلام شده "فداکاری" کارگران شریف پیش فرض گرفته شده است. هم بهای مقاومت اقتصادی و هم بهای جلب سرمایه های خارجی به ایران را باید کارگران با کار بیشتر و توقع کمتر بپردازند. این یکی از شروط بانک جهانی برای دادن اعتبار به دولتها و سرمایه گذاری در کشورهاست و مدتهاست، حتی از همان اوایل دوره احمدی نژاد، جمهوری اسلامی همین خط تحمیل ریاضت کشی را، از جمله از طریق سیاست حذف یارانه ها، دنبال میکند. بنابر این باید گفت که سرمایه داری در ایران، نه تنها در شکل مافیائی فعلی اش بلکه حتی اگر بتواند شکل متعارف بخود بگیرد، شمری بجز فقر و مشقت و ریاضت کشی و بی تامینی برای کارگران و توده مردم در بر نخواهد داشت.

انترناسیونال، به عنوان

آخرین ستوال اجازه بدهید به جبهه مقابل حکومت، یعنی مبارزات مردم بپردازیم. سال گذشته برای مردم ایران چگونه بود و چه واکنش هایی از طرف مردم در مقابل اوضاعی که بر ایران حاکم است، دیده شد. این واکنش ها از نظر شکل و مضمون چه ویژگی هایی داشت؟

حمید تقوائی، در سال گذشته مهمترین و فعالترین عرصه مبارزه علیه جمهوری اسلامی مبارزه کارگران بر سر افزایش دستمزد بود. البته جنبش کارگری در تمام دوره حاکمیت جمهوری اسلامی فعال بوده است و بخصوص مبارزه علیه بیکار سازیها، مبارزه برای پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، انعقاد قراردادهای جمعی، آزادی تشکل و غیره همیشه جریان داشته است اما مبارزه برای افزایش دستمزد و مشخصا طرح خواست دومیلیون تومان حداقل دستمزد که در سال گذشته شروع شد و هنوز ادامه دارد یک عرصه تعرضی است و ازین نقطه نظر گام بلندی به پیش نه تنها در جنبش کارگری بلکه در مبارزه توده مردم علیه فقر و برای ارتقای سطح معیشت خود بشمار میرود. در این مبارزه طبقه کارگر پرچم اکثریت عظیم مردم رانده شده بزیر خط فقر را بدوش میکشد و آنان را نمایندگی میکند.

یک عرصه دیگر، گسترش مبارزه علیه اعدام و فعال شدن خود زندانیان سیاسی و محکومین زیر اعدام و خانواده های آنان در این عرصه است. در دوره روحانی اعدامها گسترده تر شد و در مقابل اعتراض و مقاومت و مقابله با اعدامها نیز وسعت و عمق بیشتری پیدا کرد. تا حدی که در سطح شخصیتها و سازمانهای اپوزیسیون نیز گفتمان اعتراض به مجازات

اعدام بالا گرفت و نیروهای تازه ای به مبارزه علیه اعدام پیوستند.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و بهبود شرایط زندانیان نیز عرصه دیگری از مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی در سال گذشته بود. بخصوص فعال شدن خود زندانیان، و از جمله کارگران زندانی، با گزارشدهی از وضعیت سخت و غیر قابل تحمل زندانها و زندانیان، انتشار بیانیه های علنی در اعتراض به این شرایط و حتی محکوم کردن سیستم قضائی جنایتکارانه جمهوری اسلامی را باید از زمره پیشروهای جنبش آزادی زندانیان سیاسی در سال گذشته بشمار آورد.

در عرصه جنبش آزادی زن مبارزه علیه حجاب ابعاد گسترده تری پیدا کرد. زنان و دختران در سطح وسیعی عملا حجاب را کنار گذاشته اند و این لغو عملی حجاب روزبروز گسترده تر میشود. مبارزه علیه آپارتاید جنسی، نظیر شرکت زنان در استادیومهای ورزشی، نیز جنبه دیگری از جنبش رفع تبعیض علیه زنان بود.

مجموعه این اعتراضات و مبارزات نشان میدهد که روی کار آمدن روحانی نه تنها توهمی در مردم ایجاد نکرده است، نه تنها در نگرانی های حکومت در مورد "فتنه" ای که در راهست و هشدارهای همیشگیشان در مورد از دست رفتن اسلام و فرهنگ و ارزشهای اسلامی تخفیفی نداده است، بلکه همانطور که قابل انتظار بود و حزب ما از ابتدا پیش بینی کرد زمیننه و دریچه تازه ای برای گسترش مبارزات مردم فراهم آورده است. بی شک در سال تازه نیز این مبارزات عمق و گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد. *

۲ آوریل ۱۴

آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیک جامعه.

لغو هر نوع ارجاع به قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم.

ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

از برنامه حزب کمونیست کارگری بخش "حقوق و آزادی های فردی و مدنی"

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود